



مخفی شدن اجابت در دل دعا! / خود دعا کردن اجابت را در درونش دارد

آیت الله قرهی در شرح دعای ابوحزمه ثمالی گفت: این که پروردگار عالم اجازه داده که انسان با او صحبت کند و آن هم از طریق دعاست، این خودش اجابت است.

آیت الله قرهی در شرح دعای ابوحزمه ثمالی گفت: این که پروردگار عالم اجازه داده که انسان با او صحبت کند و آن هم از طریق دعاست، این خودش اجابت است.

آیت الله قرهی در شرح دعای ابوحزمه ثمالی مطالبی را بیان کرده که در پی می آید:

مخفی شدن اجابت در دل دعا!

پروردگار عالم همان طور که ارتباط با خودش را از ناحیه خود به قرآن قرار داد؛ از ناحیه انسان هم به دعا قرار داد و دعا به عنوان سخن گفتن با پروردگار عالم عندالاولیاء است.

لذا خود دعا هر چه می‌خواهد باشد، کوچک یا بزرگ، عندالله باعظمت است. اجابت دعا هم عندالله در دل خود دعا است. یعنی پروردگار عالم دعای آن را که دستش را بالا برده و از خدا درخواست کرده و سائل شده، قبل از این که به ظاهر اجابت شود، اجابت کرده است؛ چون پروردگار عالم اجازه سخن گفتن به او داده است و این، نکته مهمش است.

این که پروردگار عالم اجازه داده که انسان با او صحبت کند و آن هم از طریق دعاست، این خودش اجابت است. لذا در ادعیه به خصوص همین دعای ابوحزمه، یک معنی آن فرازی که بیان کردیم که فرمودند: «وَلَيْسَ مِنْ صِقَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ»، همین است. اصلاً خودت به سؤال یعنی دعا امر کردی و به هیچ عنوان هم عطا را منع نمی‌کنی. عطا در خود سؤال خوابیده شده است.

لذا فرمود: «وَأَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْعَطِيَّاتِ عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ» که توضیح دادیم که چرا منان می‌فرماید و این که «عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ» است. «وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحَنُّنٍ رَأْفَتِكَ»، لذا خود پروردگار عالم در دعا یادآوری می‌کند که در حقیقت این که اجازه دادم با من صحبت کنی، خود این اجابت است. پس ما نباید منتظر اجابت باشیم. اجابت در آن است.

امیرالمؤمنین، اسدالله الغالب، علی بن ابیطالب (ع) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَحْفَى ... إِبَابَتُهُ فِي دَعْوَتِهِ» [1]، پروردگار عالم مخفی کرده (یعنی در درون خود آن قرار داده، به تعبیر خودمانی یعنی در دل قضیه خوابیده)، چه چیز را؟ اجابت را در همان دعوت. یعنی اجابت خودش را در دل دعا پنهان کرده است. یعنی همین که شما دستتان را بالا می‌برید و دعا و درخواستی می‌کنید، همین اجابت خداست.

لذا این قدر دعا مهم است که فرمودند: «فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ شَيْئًا مِنْ دُعَائِهِ، فَرْبَمَا وَافَقَ إِبَابَتُهُ وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ»، پس هیچ دعایی را کوچک نشمار. نگو این دعا که دعای خیلی کوچکی است و دعا باید دعا باشد! حضرت می‌فرمایند: خیر، هیچ دعایی را کوچک نشمار. اصلاً هر درخواستی را که از پروردگار عالم می‌کنی، اصلاً و ابداً کوچک نشمار.

در ادامه دلیل آن را می‌فرمایند و آن، این است: «فَرْبَمَا وَافَقَ إِبَابَتُهُ وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ»، ای بسا آن دعا همان موقع موافق به اجابت باشد و پروردگار عالم آن را اجابت کرده، اما تو نمی‌دانی. چون ما تصور می‌کنیم باید اثر اجابت دعا، زود باشد، در حالی که این طور نیست. ای بسا در آینده معلوم شود و ای بسا اصلاً در این دنیا معلوم نشود و آخرت معلوم شود.

لذا پروردگار عالم دعا را بدون اجابت را نمی‌گذارد و اتفاقاً معنی این که فرمود: «وَلَيْسَ مِنْ صِقَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ»، همین است. مگر می‌شود تو خودت امر به سؤال کنی و بعد عطیه‌ات را منع کنی؟! تو عطا می‌کنی.

چون در ادامه می‌فرماید: «إِلَهِي رَبِّئْتَنِي فِي نِعَمِكَ وَإِحْسَانِكَ صَغِيرًا» که در جلسه گذشته مقدار کمی بیان کردیم که در طفل بودن چه حالاتی است و می‌خواستیم راجع به نعمت بیان کنیم که البته دیگر وقت کم است و در این جلسه نمی‌توان بیان کرد. لذا به همین قدر بسنده می‌کنیم که دعا از جانب خدا خودش اجابت است.

شاید بگویند: ما چیزی به نام دعا و در مقابلش چیزی به نام اجابت داریم. مانند این که در بیع، بحث ایجاب و قبول را داریم. اما می‌فرمایند: خیر، همین دعا، اجابت است. چون دعا، سخن گفتن انسان با پروردگار عالم است. لذا در این «ادعونی» [2]، «أَسْتَجِبْ لَكُمْ» خوابیده، منتها از باب تفهیم به انسان این طور بیان می‌شود.

اولیاء خدا، بزرگان، آیت الله العظمی شاه‌آبادی و امام عظیم‌الشأن (ره) می‌فرمودند: کتاب الله، قرآن نازل و دعا، قرآن صاعد است. لذا امیرالمؤمنین فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَحْفَى ... إِبَابَتُهُ فِي دَعْوَتِهِ»، اصلاً اجابت در خود دعوت است، همین که بگویی: خدا، این، خودش اجابت است و نیازی نیست اجابت شود. اجابت درون آن مخفی شده است. «فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ شَيْئًا مِنْ دُعَائِهِ، فَرْبَمَا وَافَقَ إِبَابَتُهُ وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ»، چطور است که اجابت شده و من نمی‌فهمم؟ من که دارم دعا می‌کنم، بالاخره باید بفهمم اجابت شده یا خیر؟ منظور از این «وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ» چیست؟

منظور این است که تو نمی‌دانی خود این سخن گفتن با پروردگار عالم، اجابت دعاست. پروردگار عالم به تو لطف و محبت کرده و خواسته تا ما با او سخن بگویم.

اذن خدا برای بهترین عبادت و باز شدن درب‌های رحمتش

لذا برای این که بدانید این اجازه دادن برای صحبت با خدا، از جانب خود خداست، باز روایتی را بیان می‌کنم. پیغمبر اکرم، خاتم رسل، محمد مصطفی(ص) فرمودند: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدَّعَاءُ» [3]، بالاترین و برترین عبادت، دعا است - که این، خودش توضیح مفصلی می‌طلبد که در این جا با آن کاری نداریم - چرا؟

می‌فرمایند: «فَإِذَا أَدْنَى اللَّهُ لِلْعَبْدِ فِي الدَّعَاءِ فَتَحَ لَهُ بَابَ الرَّحْمَةِ»، موقعی که پروردگار عالم اذن و اجازه می‌دهد که عبد دعا کند، اصلاً خود این، باز شدن باب رحمت پروردگار عالم است. پس اولاً خداوند است که اجازه دعا را می‌دهد. ثانیاً با دعا کردن، باب رحمت خدا به روی انسان باز می‌شود.

«اللهم إني أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ»، یکی از این رحمت‌های خدا، همین است که تو دعا می‌خوانی. چرا؟ چون خدا اجازه داده است. همه توفیق ندارند دعا بخوانند و زیارت بروند و ...

یکی از آقایان را می‌شناسم که بیست و هشت سال است، مشهود که به تعبیر عامیانه بغل گوشمان است، نرفته است. یعنی توفیق زیارت نداشته است. این‌طور هم نیست که ندار باشد و بگوییم: بنده خدا وضعیت مالی خوبی ندارد و نمی‌تواند برود. باید اذن بدهند. فکر می‌کنید من و شما هستیم؟!

یکی از دوستان، حداقل ماهی یک‌بار به مشهد می‌رفت. خودش می‌گفت: یک‌بار با خودم گفتم: من خیلی مشهد می‌روم. به امام رضا هم گفتم: ما دیگر خیلی پیش تو می‌ایم، دیگر الآن آن حال را نداریم. بعد از آن یک اتفاقی افتاد که من تا شش ماه نتوانستم بروم. فکر می‌کرد خودش است که همت کرده و ماهی یک‌بار دارد به مشهد می‌رود، برای همین کاری می‌کند که نرو. پس خود دعا هم این‌طور نیست که فکر کنیم ما خودمان داریم دعا را انجام می‌دهیم، «فَإِذَا أَدْنَى اللَّهُ لِلْعَبْدِ فِي الدَّعَاءِ»، موقعی که پروردگار عالم برای دعا، اجازه به بنده‌اش می‌دهد، ... یا این که امیرالمؤمنین فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَحَقُّ ... إِبَابَتَهُ فِي دَعْوَتِهِ»، خداوند اجابت را در دعا مخفی کرده؛ یعنی همین که دعا می‌کنی، خودش اجابت است، منتظر اجابت نباش. «فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ شَيْئًا مِنْ دُعَائِهِ، قُرْبًا وَافَقَ إِبَابَتَهُ وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ»، چون ای بسا آن دعا موفق به اجابت شود اما تو ندانی. شاید بگویید: این چگونه اجابت شده؟! من که چیزی نمی‌بینم. می‌گویند: شما متوجه نیستید، همین قدر که اجازه سخن گفتن با پروردگار عالم را به شما دادند که دعا کنید، در همین دعا، اجابت است. پس این‌طور نیست که مثل بیع، بحث ایجاب و قبول از طرفین باشد، بلکه اصلاً خود دعا، از خداست و اجابت هم درون خود دعاست. لذا من و تو نیستیم که دعا می‌کنیم، بلکه اجازه می‌دهند. چون پیامبر هم فرمودند: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدَّعَاءُ فَإِذَا أَدْنَى اللَّهُ لِلْعَبْدِ فِي الدَّعَاءِ فَتَحَ لَهُ بَابَ الرَّحْمَةِ»، هنگامی که خدا اجازه دعا را داد، باب رحمت برای او باز می‌شود.

دعا، قرآن صاعد است و خود خداست که اجازه می‌دهد بنده با او سخن بگوید و دعا کند. پس همان‌طور که فرمودند: «أَدْنَى اللَّهُ»، خودت نیستی که دعا می‌کنی، بلکه پروردگار عالم به تو اجازه داده که با او سخن بگویی. پس باید اذن بدهند تا دعا کنیم، لذا همان موقع که اجازه دادند معلوم است که اجابت هم صورت گرفته و خودش اجابت است. پس دنبال کدام اجابت می‌گردیم؟! «أَحَقُّ ... إِبَابَتَهُ فِي دَعْوَتِهِ».

لذا می‌فرمایند: دعاها را کوچک بشمارید و نگویید این که دعا نیست و ... «فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ شَيْئًا مِنْ دُعَائِهِ، قُرْبًا وَافَقَ إِبَابَتَهُ وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ»، دعا عجیب است. دعا، لطف خدا از جانب خودش است. باب رحمت خدا به روی انسانی که دست به دعا برمی‌دارد، باز شده است.

ما یک اجابت ظاهری داریم که این، همان است که من و شما می‌بینیم. اجابت حقیقی اتفاقاً قبل از اجابت ظاهری است و همین است که اجازه دادند دعا کنیم. چون برای دعا باید اذن بدهند و تا اذن ندهند نمی‌شود.

اگر دعا، اجابت ظاهری نشود، اجابت حقیقی آن دائمی خواهد بود!

لذا روایتی داریم که قبلاً هم بیان کردم که گاهی دعا می‌کند و فردای قیامت وقتی می‌فهمد اگر اجابت ظاهری را نمی‌کردند و این مشمول اجابت دائمی می‌شد، با خود می‌گفت: ای کاش هیچ‌کدام از دعاهایم اجابت ظاهری نمی‌شد. چون اگر اجابت ظاهری را به انسان ندهند، اجابت حقیقی آن، دائمی است.

دلیل این که اگر اجابت ظاهری را ندهند، اجابت حقیقی، دائمی است، برای این است که وقتی دعایش اجابت ظاهری نشود، مدام دستش را بالا می‌برد و دعا می‌کند. وقتی به دست می‌آورد، احساس می‌کند دعایش مستجاب شد، دیگر دست از دعا می‌کشد. اما آن چیزی که طلب می‌کند و به دنبال آن است، ابزار و عامل و وسیله‌ای می‌شود که شما دعا کنید. لذا این را با صراحت و ایمان کامل و از فرمایشات اولیاء خدا بیان می‌کنم که فکر نکنید آن چیزی که می‌خواهید، دعاست؛ آن، ابزاری شده که شما دست به دعا بردارید.

اگر خانه، ماشین و ... می‌خواهید، وسیله‌ای شده که شما دعا کنید و لا بیان کردن این‌ها در محضر ذوالجلال و الاکرام که خیلی زشت است، اما خود این‌ها ابزار شده که دعا کنید. مریض دارید، وسیله شده؛ خودتان مریضی دارید، وسیله شده، ابزار است که تو دستت را جلوی پروردگار عالم بالا ببری و دعا کنی. در خود دعا اجابت حقیقی نهفته شده و وقتی اجابت ظاهری پیش می‌آید، ای بسا آن اجابت ظاهری عامل شود که این اجابت حقیقی دیگر استمرار پیدا نکند. اما تا موقعی که اجابت ظاهری پیش نیامده، اجابت حقیقی وجود دارد؛ چون مدام دستم را بالا می‌برم و خدا خدا می‌کنم. پروردگار عالم و ملائکه دارند نگاه می‌کنند و می‌گویند: ما که اجابت کردیم، این که متوجه نیست، پس بگذار بیشتر او را اجابت کنیم «قُرْبًا وَافَقَ إِبَابَتَهُ وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ»، خودش نمی‌داند اجابت کردیم. این، اجابت حقیقی است. آن اجابت، اجابت ظاهری است. وقتی آن ابزار را به شما دادند، دیگر دست از دعا می‌کشید.

یک مثال بزنم، خدای متعال فرموده که بخواهید و دعا کنید. اما بعضی موارد هم ابزاری قرار می‌دهد. بیان کردیم: آن نبی مکرم مریض بود و دستش را بالا برد و مدام دعا کرد، پروردگار عالم خطاب کرد: اگر این قدر دستانت بالا باشد که کتف‌هایت خسته شود و بیافتد، من اجابت نمی‌کنم. من درد دادم، درمان هم دادم، دنبال درمان آن برو. اما در یک مواردی هم با این که خود پروردگار عالم فرموده به دنبال درمان بروید، هیچ درمانی یافت نمی‌شد و همه دکترها می‌مانند. آن وقت پروردگار عالم با تربت ابی‌عبدالله می‌خواهد او را شفا دهد. با یک خاک؟! خاک، مگر چه دارد، بله! «جعل الله في تربة قبر الحسين عليه السلام شفاءً من كل داء»، خدا شفا را در تربت ابی‌عبدالله برای همه مریضی‌ها قرار داده و می‌گوید: حالا از این طریق درمان کنید. از جمله این موارد، برای بعضی‌هاست که بچه دار نمی‌شوند و برای همین صده می‌گیرند و در این صده، تربت می‌خورند و دعا می‌خوانند و وقتی مشغول شدند و صده تمام شد، بعد از مدتی کم می‌کنند و یا دیگر تمامش می‌کنند. این، ابزار برای آن دعا بود. اما اجابت حقیقی در همان زمان دعا بود که خدای متعال داشت به شما مرحمت می‌کرد که این را نباید فراموش کنیم.